

«تفسیر» شیخ طربناک

ولی قیصرانی

جلوه‌هایی از جمال حق را رؤیت نمود؛ پس اثرات جذبه عشق حق و سیر از تفکر (محو) به عالم عین (واقعیت، صحو) را در کتاب‌هایش به یادگار گذارد. «شطح» اش نامیدند چون نظر بر «اشارات» و «مشاهدات» داشت و شطح می‌گفت و هم شطحیات دیگران (همچون حلاج) را شرح می‌کرد. «شطح» در لغت به معنای «سرگردانی و بیراهه رفتن» باشد و در عرفان و تصوف به «سخن غلوآمیز عارف به هنگام وجد در مشاهده صفات حق تعالی» اطلاق شود. روزبهان که متلون به کشفیات است صور باطنی را با امر ظاهر و واقعی می‌آمیزد؛ اما از «مشبهه» یا «معطله» نیست بلکه «اهل قرآن» و «اهل انبساط» است که «انفاق» آنان بر سه قسم باشد: استغفار بعد از شطح، حفظ ادب در حال سُکر، و خیر از مقامات برای اهل ارادت (کتاب حاضر، ص ۲۹۲).

باری، روزبهان بقلی دو نوع تفسیر بر قرآن کریم نوشته: «یکی لطایف البیان فی تفسیر القرآن در پنج جلد که حاوی سخنان مفسران بزرگ و حالات اعراب و اشتقاقات می‌باشد و دومی عرایس البیان فی حقایق القرآن [کتاب حاضر] که در آن سخنان عارفان بزرگ اهل توحید و تفرید [و هم مشاهدات عرفانی خود] را آورده، در سه جلد» (روزبهان نامه، محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۴۷، ص ۲۴۲). «او عرایس اشاری قرآن را با نشستن بر شاخه گل‌های مراقبات و نوشیدن شراب وصل و فنای در رؤیت جمال حق و حیرانی در انوار جلال او فرا دست آورده، خوش‌لحن و طربناک بیان نموده است» (همان، ص ۱۸؛ کتاب حاضر، ص ۱۶). به تعبیری، «عالم عرایسی که وی بر ما عرضه نموده، استوار بر محبت است که بنیان آن عشق است و بس. روحش ولایت، زمینش عبودیت، نهالش فناء، هوایش ذکر، آسمانش مشاهده، خورشیدش بقاست. عالم تسلیم در حضور جمال و جلال [الهی] که جمالش وصال و قرب و انس به معشوق و جلالش اراده معشوق بر عذاب [عاشق] با تازبان‌های از حریر. [بر عاشق] لطف می‌کند تا مرید مراد شود و او را می‌بخشد تا آتش گلستان گردد. مخفی بودن رویش

عرایس البیان فی حقایق القرآن، شیخ روزبهان بقلی شیرازی، ج ۱، ترجمه و تحقیق علی بابایی، تهران، مولی، ۱۳۸۸، شصت و شش + ۴۲۱ ص.

در صدر اسلام هرگاه مسلمانان جوایب شرح و بسط معانی آیات قرآن می‌شدند با رجوع به پیامبر (ص) و پس از وی به ائمه معصومین (ع) جواب مقتضی را می‌گرفتند؛ بخصوص در زمان پیامبر (ص)، که دریافت‌کننده وحی و مخاطب اصلی کلام خدا در میان مردم حضور داشت و مردم شأن نزول بسیاری از آیات را به چشم خود دیده یا از زبان نبی شنیده بودند و قول او را یگانه برداشت معتبر از آیات قرآن می‌دانستند. اما با گذشت زمان و توسعه فتوحات مسلمین و گرایش ملل دیگر به آیین اسلام و هم تقابل اعتقادات سیاسی و حتی علمی مسلمانان با نظرات فلسفی و کلامی، علمای مسلمان در قلمرو کشورهای اسلامی آیات قرآن را بنا به نیاز مخاطبان و شرایط اجتماعی جامعه و سلیقه فکری خویش تفسیر کردند. البته مفسران در توجیه عقاید خود روایات یا احادیثی از معصومین (ع) نقل می‌کردند اما وجه غالب همان بیان دریافت‌های خودشان از قرآن بود طوری که هم‌اکنون می‌توان تفاسیر گوناگون موجود را به روایی، کلامی، فلسفی، عرفانی، ادبی، علمی و... تقسیم کرد.

در این میان تفاسیر روایی مبتنی بر مآثورات و هم تفاسیر عرفانی رواجی عام یافتند، هرچند که در تفسیر عرفانی نیز به احادیث و روایات استناد می‌شد اما آشکارا مشاهدات باطنی شخصی و دریافت‌های درونی مفسر مد نظر بود که بدین سبب «تفسیر» به «تأویل» گرائید. «تفسیر» به معنای بیانی عمیق‌تر از ظواهر آیات، و «تأویل» به معنای برگرداندن ظاهر آیات به معنای باطنی و آغازین آنهاست.

روزبهان (دیلمی فسوی) بقلی شیرازی (۵۲۲-۶۰۶ هـ ق) معروف به «شیخ شطح» در پانزده سالگی روی در طریق حقیقت نهاد. او بر اثر حفظ قرآن و هم درک عرفان (ذوقی و نظری)، در باطن و سرّ خویش و در رؤیاهای و خواب‌هایش



ظاهری و مبتنی بر حدیث به تفسیر باطنی و تأویل آن (سی و هفت چهل و یک)، تأثیر عرایس البیان بر تفاسیر پس از خود (چهل و دو چهل و چهار) و نشان دادن شواهد آن؛ برای نمونه می‌گوید: «...آورده‌اند که عالم چشتی شیخ عزیزالله (۹۷۵ هـ.ق) به شاگردان خود، در کنار دیگر آثار اصیل صوفیه، عرایس البیان را تدریس می‌کرد... در تفسیر البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید متعلق به ابن عجیبه که اثری عرفانی و متعلق به قرن سیزدهم است، در کنار آثاری چون لطایف الاشارات و احیاء علوم الدین و... از عرایس البیان روزبهان نیز یاد شده... تفسیر عرفانی روح البیان نوشته اسماعیل حقی بروسی که متعلق به قرن دوازدهم است و در ۱۰ جلد نگاشته شده، مملو است از نقل قول‌هایی از روزبهان با عناوین مختلف همچون: «و فی عرایس البیان»، «و فی العرایس للبقلی»، «قال الشیخ روزبهان البقلی فی عرایس البیان»، «قال البقلی» که مثلاً با همین عنوان اخیر، بالغ بر ۵۹ بار نقل قول در این اثر شمارش شده است...»

از نکات مهم دیگر در کار مترجم همانا تلاش در بیان ارتباط روزبهان با ائمه شیعه (ع) و به طور مشخص توجه خاص وی به امام جعفر صادق (ع) است که طی دو عنوان جداگانه، «روزبهان و ائمه شیعه» (سی و سه - سی و پنج) و «حضرت صادق و عرایس البیان» (چهل و چهار - چهل و نه) آمده است. همچنین او روش کار خود را طی بندهای گوناگون توضیح داده که حاکی از حساسیت و دقت وی است چنانکه در جایی می‌گوید: «ما در حین ترجمه، علاوه بر این که برخی از لغات مشکل را با ذکر معنی آورده‌ایم، شرح اکثر اصطلاحات عرفانی متن را هم از دیگر آثار روزبهان همچون شرح شطحیات و عبهرالعاشقین در پاورقی ذکر کرده‌ایم... در مورد اکثر عارفان و شخصیت‌هایی که در متن عرایس نام برده شده‌اند، با صرف وقت و تحقیق زیاد در پاورقی ذکر می‌کنیم به میان آمده است...» (ص پنجاه و یک). و یا: «در مورد متن ترجمه می‌توان گفت چندین اثر فارسی که از روزبهان موجود است می‌توانست الگوی خوبی باشد... سعی بر این بوده است که با حفظ لطف کلام، ترجمه روان و ساده‌ای ارائه شود تا علاوه بر انتقال مفهوم، متنی ساده و امروزی در اختیار مخاطب قرار گیرد» (ص پنجاه و سه).

اما علی‌رغم سخنان پیشین کاستی‌ها و نواقصی در ترجمه

سخت‌ترین عذاب باشد که نه روشنی و نه هدایت، بلکه دوزخ تاریک است. در چنین عالمی جز قوانین عشق چیز دیگری حاکم نیست؛ عشق به صفات و احوال معشوق. وصالش هر شوقی را برانگیزد و نزدیکی‌اش هر دوری را خوشایند سازد؛ همه چیز زیباست حتی «دوری». پس در آن عالم «قهر» هم «رضا»ست و «لذت» زشتی ذاتی ندارد. عالم عرایس، پاک از تضاد و خلاف و جدال است و در آن فقط وحدت عشق قدیم حضور دارد: معشوق، عاشق است و عاشق، معشوق. مُلک ملک عاشق است و عاشق نمی‌میرد. نه من، نه تو؛ هیچ کس جز او نیست؛ دنیا و آخرت فدای او. جان پست‌ترین قربانی از برای اوست و روحانیت انسان در قبول همین قربانی است. جاودانگی و عظمت از آن او و نیستی و عشق از برای من» (روزبهان و تفسیر عرایس البیان، صلاح الصاوی، در: تحقیقات اسلامی، ش ۱، ص ۲۷)

اخیراً بخش اول عرایس البیان فی حقایق القرآن (از سوره فاتحه تا آخر سوره مائده) در دو جلد با تحقیق و ترجمه آقای علی بابایی از سوی انتشارات مولی به چاپ رسیده و در اختیار علاقه‌مندان این‌گونه آثار قرار گرفته است. مترجم محترم که تصحیح نسخه خطی عرایس (موجود در مجلس شورای اسلامی) را با نظر و انطباق بر نسخ خطی متعدد دیگر (از جمله نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی) و هم دو متن چاپی (لبنان و عربستان) انجام داده و سپس بخش مزبور را ترجمه کرده است.

کتاب با فهرست مطالب و مقدمه مترجم (شامل شرح حال و آثار روزبهان، روزبهان و ائمه شیعه، در مورد عرایس البیان، اهمیت و جایگاه عرایس البیان، حضرت صادق [ع] و عرایس البیان، شیوه ترجمه این اثر، از متن عرایس، مشخصات نسخ خطی، برخی منابع مورد استفاده) آغاز می‌شود و آن‌گاه متن ترجمه می‌آید و در پایان فهرست آیات، احادیث و اقوال، اعلام و اصطلاحات درج شده است.

باید گفت مترجم کوشای عرایس با تصحیح و تحقیق متن کتاب با بهره‌گیری از نسخ متعدد کار مضاعفی انجام داده که قابل ستایش است و از این بابت نکات مهمی در مقدمه کتاب مزبور دیده می‌شود؛ از جمله: تحقیق در وجه تسمیه کتاب (عرایس البیان) با استفاده از کتاب‌های تفسیر و واژه‌نامه‌ها (سی و پنج - سی و هفت)، علت گرایش روزبهان از تفسیر

عرایس البیان به دیده می‌آید که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود. همچنین باید گفت نثر مترجم محترم، بخصوص در مقدمه کتاب، به هیچ وجه در خور اعتبار آن و نیز شایسته تلاش‌های وی نیست. مترجم در بیشتر جاها کلماتی ناموزون را به صورت محاوره‌ای و غیرنوشتاری به کار برده که مناسب معانی و مضامین تحقیق شده نیستند. به نظر می‌آید ویراستار کتاب به این عبارات توجهی نداشته یا این که مقدمه پس از ویرایش متن افزوده شده است.

سوای مواردی در گفتاوردهای پیشین همچون عبارت «حضرت صادق و عرایس البیان» که باید «عرایس البیان و حضرت امام صادق (ع)» نوشته شود، نمونه‌های بسیاری از ضعف ساختار و ناپختگی نثر در «مقدمه» ملاحظه می‌شود؛ برای نمونه: «... که این اخیر استاد وی در فقه بوده است»، «بنای معرفتی‌شان از قرن‌های پیش ریشه گرفته، و تنه...»، «... نظریات جالب توجهی داده‌اند که...» (بیست و هفت)، «... یا اشاره به قول معروف بین قوم که...» (چهل و نه)، «گاه، تصحیح‌مانند، به موارد اختلافی نسخه‌ها نیز اشاره کرده‌ایم، که همه موارد اختلافی نیست» (پنجاه و دو) و...

از سوی دیگر مترجم محترم در ترجمه متن عرایس کوشیده است تا سبک نگارش روزبهران را با استفاده از کلمات و اصطلاحات خود او حفظ کند اما باید گفت نه تنها مواردی از نارسایی جملات در بیان مفاهیم عرفانی شیخ به دید می‌آید که نمی‌توان آنها را از نوع «ثقیل بودن کلام و سنگینی اصطلاحات و تعبیرها» (ص پنجاه و سه) ی روزبهران دانست، بلکه اگر به قول خود مترجم «متن عرایس، به نسبت، ساده و روان تر از متن آثار فارسی وی [روزبهران] است» (ص پنجاه و دو)، پس ترجمه آن هم باید روان و یکدست باشد در حالی که نثر ترجمه در بسیاری موارد ثقیل و دشوار خوان است و این به علت کمبود واژه برای برگرداندن اصطلاحات عرفانی روزبهران نیست، چه، مترجم فاضل آنها را در متن به کار برده

و در پانویست توضیح داده؛ بلکه به علت کم‌دقتی در ترجمه و کم‌توجهی به امر ویرایش است و نبود «نقطه‌گذاری» دقیق و بجای، همین‌طور غلط‌های چاپی فراوان هم مزید بر علت شده است. برای مثال، در بیشتر جاها بعد از «که» بیانه، نشانه دو نقطه (:). آمده یا در مواضع بسیاری، بی آن که نیازی باشد، از ویرگول و نقطه ویرگول استفاده شده است که این همه خواننده کتاب را در خواندن و فهمیدن متن دچار مشکل می‌کند. برخی از جملات و عبارات ناویراسته و نادستوری، برای نمونه: «یارای هر ضعیفی تنها او کافی است» (ص ۱۰)، «... عارفان وقتی خواهان هدایت به اوصاف عبودیت شدند، برای اینکه از حیرتی که از شهود صفات ازلی او بر آنان وارد می‌شود، غرقه نگردند، خواهان هدایت به صفات عبودتی شدند...» (ص ۲۸)، «... و نه گمراهان از رؤیت مآب» (ص ۳۰)، «گفته‌اند: «الف» الف وحدانیت است و «لام» لام لطف و «میم» میم ملک. بدین معناست که هر کس مرا با از میان برداشتن علایق و اعواض، به حقیقت بیاید، در معنای خود بر او لطیف می‌شود...» (ص ۳۳)، «... شایسته مقام او علم «لنفسه» است. از این رو، «بنفسه» «لنفسه» قبل از کون، و کون بعد و کون کون، مشاهده می‌کند» (ص ۲۲۸)

متأسفانه متن اصلی عرایس البیان در دسترس نگارنده نبود و تطبیق جمله به جمله متن عربی با ترجمه فارسی نیز در این مختصر نمی‌گنجید؛ اما با همبر کردن ترجمه حاضر با عبارات برخی فقرات عربی آن، اشتباهات یا افتادگی‌های لغوی اندکی مشاهده شد که می‌توان آنها را از باب اختلاف نسخ یا بعضاً (و اصطلاحاً) «ترک اولی» از سوی مترجم دانست. روی هم رفته با توجه به حجم کتاب سعی مترجم مشکور است و با تجدیدنظری در ویرایش آن مشکلات کتاب تا اندازه زیادی برطرف می‌شود. گفتنی اینکه متن آیات تفسیر شده و نشده سُوَر مربوطه تماماً با ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی درج گردیده که مزید فایده است. ■